

بدون چنین جنبشی و کار انترناسیونال ما و احزانش کامل نبوده و هرگز نخواهد بود. کار انقلابی ما بایستی تماما جامعه عمل پوشد. بمن بگوئید کار کمونیستی در خارج چگونه پیش میرود.

[گفتم] تا آنجا که در آن موقع مینوانستم - با روابط بسیار ست و نامطم بمن احزاب کمپنشن - کار کرده ام. لنین با دقت گوی میداده کمی بجلو خم شده بود و بدون هیچ اثری از کلسی و ناشکبایی یا خستگی و مشتاقانه حتی جریات مهم درجه دوم را دنبال میکرد. من هرگز کسی را سراغ نداشتم که خمونده ای بهتر بوده یا توانسته باشد چنان سریع آنچه را که میشوند بهم ربط و عمومیت بدهد. سوالات کوتاه و همیشه بسیار منظمی که او گاهگاهی راجع آنچه با او گفته بودم میکرد و این حقیقت که او بعدا به این با آن تبکه از گفته های من بر میگفت و گواه آن بوده. لنین چند بار داشت محترم برداشت. طبیعتا، من راجع به اوضاع در آلمان مفصلا صحبت نمودم. به لنین از اهمیت بزرگی که روزا لوکزا مبورگ بکشائیدن وسیعترین تعداد زنان به مبارزه مخفیانه میداد، سخن گفتم. رمانیکه حزب کمونیست تا همین گفتم او [روزا] اصرار میکرد که يك روزنامه زنان منتشر شود. موقعیکه لئو بوگیشز و من برای آخرین بار ملاقات کردیم - ۲۶ ساعت قبل از آنکه مفضل برسد - او نقشه کار حزب را با من بحث کرد و و تائید متعددی برای انجام بمن واگذار نموده. در بین آنها طرحی برای تشکیلات کار در میان زنان کارگر بود. حزب در اولین کنفرانس غیر تائیدی اعتراف بکار این مسئله شد. زنان تربیت یافته و با تجربه آرییناتور [تشیح کننده] ورهبری که قبل از و در ملی جنگ معروف شدند تقریبا بدون استثنا - دو سال - دمکراتها و این رنگ با آن در سکت بادی ماندند و زنان تشیح شده و فعال پرولساری را تحت نفوذ خود نگاهداشتمند - کرچه و مسنه کوچکی از زنان پرانرژی و فداکار بودند که در هر کار و هر مبارزه ای شرکت ناخشنده. علاوه بر این، خود حزب قبل از این فعالیت با برنامه ای را در میان زنان کارگر سازمان داده بود. البته همه آنها تنها آغازی بود و ولی بهر حال، آغاز خوبی بشمار میرفت.

لنین گفت: " بد نیست، اصلا بد نیست. انرژی زنان کمونیست، فدا-

کاری و شوق آنها، شهامت و دکاوت آنها در ملی دوران غیر فاشیستی و تبعه فاشیستی نبود خوبی برای پیشرفت کار ما میباشد. برای کسفرش حرب و رشد فشرنش، حدب بوده‌ها و انعام فعالینها معبد میباشد. چطور است که به همه رفقا درک صحیحی از اصول اس مسئله داده و آنها را بر سر کیم به در این زمینه اوضاع شما «گوشه است؟ این موضوعی است که در کار میان بوده‌ها از همه مهمتر بشمار می‌آید. این امر از نظر انتقال عقایدمان به بوده‌ها و از نظر چیزهایی که ما بایستیم بوده‌ها پذیرفته و از آن الهام بگیرند، بسیار مهم است. من نمیتوانم در این لحظه بحال بر بیآورم چه کسی گفت که برای انعام اعمال سررکته با الهام بسیار است. ما و زحمتکشان همه دنیا حقیقتاً هنوز اعمال بزرگی داریم که باید انعام بدیم. چه چیزی و الهام سخن رفقا و شما در میان پرولتاری آلمان است؟ آن‌هاهی انقباضی پرولتاری آنها در چه حال است؟ آیا منافع و فعالینها و آنها روی مسائلات لحظه‌ای سیاسی تحرک دارد؟ کانون افکارشان چیست؟

«من چیزهای عجیبی راجع بآن از رفقای روسی و آلمانی شنیده‌ام و باید بشما بگویم که من درمورد چیست. شنیده‌ام در هامبورگ زن کمونیست با استعدادی روزنامه‌ای برای روسیه‌بان بیرون میدهد، و سعی در سازماندهی آنها برای مبارزه انقلابی دارد. روزاً، یک کمیونیت حقیقی، رمانیکه مقاله‌ای در دفاع از روسیه^۳ نوشت که برای تحلف از مقررات پلیس در مورد حرفه غما رشان بریدن افتاده بودند، مثل یک انسان احساس و عمل کرد. آنها قربانیانی با بدبختی معاف در جامعه روزواپی هستند. قربانیان، اولاً، بیستم لعنتی مالکیت و ثانیاً، سالیسی لعنتی احلاتیش هستند. در این باره شکی نیست. تنها یک فردمان دان و کوتاه همین میتواند اینرا فراموش نماید. فهم این [مطلب] یک چیز و - جنوری بیان کم؟ - و ما مانندان روسیه‌بان بعثابه بلك گروه رسدای مخصوصی انقلابی و منتشر کردن نشریه اتحادیه‌ای صنفی برای آنها، کاملاً چیز دیگر است. آیا واقعا رنان کارگر صنفی در آلمان باقی نمانده که نیاز به سازماندهی داشته باشند که محتاج روزنامه باشند، که بایستی به صف مبارزه شما وارد شوند؟ این انحرافی مشهور است و مرا بندهت بباد ادبیات مرسوم میباید که از هر روسیه‌ای حضرت مریم مهربانی میباخت. مثلاً آن نیز محکم بود: همزردی اجتناب

و چشم بر عذبه حالومی اخلاقی بورژوازی محترم! اما این اصل عالم در فساد
 تدریجی بورژوازی در غلنبد و بانحطاط کشیده شده. مسئله فحشاء حتی در کشور
 خودمان ما را با مسئله مذکلی روسرو خواهد کرد. سرگردانی فاحشه به کار
 مؤلف، با نفس مکانی بر اینتر در اقتصاد اجتماعی - اینست آنچه باید انجام شود.
 اما وضع کنونی اقتصاد ما و سایر عراقیها دیگر آنها امری پیچیده و مشکل میازد.
 ترا اینجا با جنبه‌های از مسئله زنان سرکار داریم که با تمام عد متش روی ما قرار داده
 ژوآن پس از اینکه پرولنارها بقدرت رسید، راه علمی عملی میطلبید. این هموز
 در روسیه شوروی به اهتمام بسیاری نیاز دارد. اما بر کردیم به مسئله خاص
 شما در آلمان. تحت هیچ عراقی حزب نباید در مقابل جنبین اعمال نامناسب
 اعضا آرام بنشینند. این [آرامی] سردرگمی و تفرقه در نیروها و ما میاندازد.
 خان شما چه کاری برای توقف آن انجام داده‌اید؟

قبل از آنکه من بتوانم پاسخی بگویم، لطین ادامه داد:

" کلا، شرح گناهان شما حتی بدتر است. بمن گفته شده که در بعد از ظهر
 هایی که برای خواندن و بحث با زنان کارگر ترتیب داده شده، مسائل کس و
 ازدواج اول مطرح میشوند. میگویند که هدف اصلی شما ایجاد اشتیاق به تملک
 سیاسی و کار تحصیلی است. من زمانیکه آنها شنیدم، بگوتهایم نمیتوانستم
 اعتماد کنم. اولین دولت دیکناتوری پرولتاریا با نیروها و ضد انقلابی سراسر
 جهان در حال جنگ است. وضع خود آلمان به بزرگترین وحدت قوای انقلابی تمام
 پرولتاریا نیاز دارد، تا بشوند قوای ضد انقلابی را که در حال پیشرفت است،
 دفع نماید. ولی زنان کمونیست فعال ما متغول بحث درباره مسائل کس و ازدواج
 ازدواج در گذشته، حال، و آینده هستند. آنها ایما مهمترین وظیفه‌شان برای
 روشنگری زنان کارگر در این مسائل میدانند. گفته میشود که گروهی راجع به
 مسئله کس که توسط نویسنده زنی کمونیست از وین نوشته شده، از محبوبیت
 زیادی برخوردار است. چه چیز مهمی آن جزوه با بدباعتد کارگران مدتها پیش هرچه
 راست است در [آثار] بجل خواندند. اما نه به شکل مهوع و بریده بریده ای که
 در آن گروه پیدا میشود بلکه بشکل نهیج کمدی که به جامعه بورژوازی حمله
 میکند. ذکر خصوصیات فروید با این خاطر است که به جزوه روشنی علمی بنده ولی

ابن آسمان و ربمان بافی بک آما تور است . تشوری فرویدم اکنوزیک سر کر می لحنه ای شده است . من به تشوریهای سکنه که در معالات ، رسالات ، جزوات و غیره شرح داده میشود و بطور خلاصه به تشوریهایی که در آدینه ادبیات خاص که آنچنان با تعین بر روی تبه ای از مدفوعات جامعه بورژوازی میزنند سروکار دارم اعتمادی ندارم . من بکانبیکه همیشه در مائل سکنه همانگونه بجدیه فرو میروند که یک روحانی هندی در تعقیب درنافتی بجدیه فرو میروند ، اعتماد ندارم . چنین منظر میرسد که تشوریهای بسیار فراوان سکنه که در بیشتر قسمتها فقط فرضیاتی هستند و اغلب کاملاً اعتباری و قراردادی است ، از یک بسیار شخصی ناشی میگردد .

این از آرزوی توجیه غیرطبیعی بودن یا زیاده روی در زندگی سکنی خود شخص در برابر اخلاق بورژوازی و طلب اغماض برای خوب شدن سرچشمه میگردد .

این احترام نفاذ برای [اصول] اخلاقی بورژوازی سهام انداره برای من تنفر آور است که ریشه بایی در همه آنچه سکنه مربوط میباشد . قطع در آرا بنگه ممکنست این موضوع ، لاهرا طبیعی جلوه نماید ولی در آخرین تحلیل کاملاً بورژوازی است . روشنفکران و کسانی نذیر آنان بحسب منتهای این چیزها بیدار ولی هیچ جایی برای این چیزها در حزب یعنی پرولتاریای رزمنده بک آگاهی طبقاتی یافته وجود ندارد .

من حرف او را قطع کرده و گفتم درجا بیکه مالکیت خصوصی و نظام اجتماعی بورژوازی حکمفرماست ، مائل جنسی و ازدواج باعث تعدد مشکلات و تناقضات و رنج برای زنان تمام طبقات و اقشار اجتماعی میگردد . تا آنجا که مربوط بزرگان است ، جنگ و عواقب آن تناقضات و رنج موجود را تا منتهی درجه دقیقاً در حوزه روابط جنسی تشدید کرده است . مابلی که قبلاً از زبان پنهان میشد اکنون عریضاً میشوند . تازه جوانقلاب نیز باین مسئله افزوده گشت . دنیای احساسات و افکار قدیم درهم شکسته میشود . ترتیبات اجتماعی قبلی است و گسیخته میگشت .

روابط جدیدی بین مردم ظاهر میشود . دل بستگی به مشکلات معمول ، بیانی برای نیاز به روشنگری و جهت بایی جدید بود . و همچنین عکس العملی بود بر علیه تحریفات سالوسی جامعه بورژوازی . اطلاع از تبدیلات در اشکال ازدواج و خانواده که در طی تاریخ صورت گرفته بود ، و وابستگی آنها به اقتصاد ، کمک میکرد تا آنها زنان کارگر از ایده پیش پذیرا شده جاودانگی جامعه بورژوازی رها بوسی

باشد • نظری تاریخی و منقدانه تا بین امر با پدیده تحلیلی بیرحمانه از جامعه
بورژوازی و افشای ماهیت و عواقب آن • مسئله نشان دادن نفوی دروغین
در مورد سکس و بهای جامد • تمام جاده‌ها به رم مبرند • هر تحلیل واقعا مبارز
کسیستی از بخش مهمی از عنایت روبنایی جامعه • از یک پدیده اجتماعی بر حومه
ساجار به تحلیل جامعه بورژوازی و اساس آن • مالکیت خصوصی - منتهی میشود و
تا بد سحر باین نتیجه شود که " کار تا از بایستی منهدم گردد " •

لغین با لغندی سرخی را تکان داد •

• همینجا است [نزه کار] شما! شما از رفقا و حزبیان مثل یک وکیل دفاع میکنی •
آنچه میکویی البته صحیح است • ولی در بهترین حالت آن میتواند عذری • نه
سوحیبی • با عذبرای اشتباهی که در آلمان صورت گرفت • و اشتباه هم میماند • آیا
مسئله‌ای تا کمال صمیمیت مرا متضمن سازی که در شی همه آن حواس بدنیا و بحثها و عسرانه
مسائل سکس و ازدواج از نقطه نظر ماتریالیسم تاریخی زننده و کامل بررسی میشود؟
چنین امری مستلزم اطلاعات جامع و وسیع و کاملترین تسلط مارکسیستی بر مقدار
ریاض و مطالب است • آیا اکنون شما قوایی را که مورد نیاز آنست دارید؟ اگر
آسرا داشتید • جزوه‌ای مانند آنکه راجع بآن صحبت کردم برای تدریس شی
حرفه‌ای و بحث عسرانه مورد استفاده قرار نمی‌درفت • بعد از اسفا دا ز چنین کتابی [این
کتاب] توصیه میشود و بهتر مدگرود • چرا سر خورد باین مسئله نامناسب و غیر-
مارکسیستی است؟ چون بمسائل سکس و ازدواج بعنوان تنها قسمتی از مسئله
اجتماعی برخورد نمیشود؛ بلکه برعکس • مسئله اصلی اجتماعی بعنوان قسمتی و
رانده‌ای از مسئله سکس فاراشه داده میشود • و نکته با اهمیت بکناری نداشته‌می
شود • ما باین سه تنها مسئله معنوی میشود • بلکه فکر و آگاهی طبقاتی زنان
کارتر در مجموع نیز کند میگردد •

• علاوه • و این کم اهمیت ترین نکته [هم] نیست • سلمان حردمند می
نفت • برای هر چیزی وقتی است • من اکنون از شما می‌پرسم آیا اکنون وقت
ایست که زنان کارکر را با مسائلی از قبیل این که چگونه عشق بورزیم یا معنوی شویم •
چگونه اظهار عشق کنیم و یا اظهار عشق بماند • برای ماها بی رفته مشغول
مماندیم؟ البته هاین موضوع با گذشته حال و آینده و مساجات نژادهای مختلف در

رابطه میبایشد و با افتخار مانربالیمزم تاریخی نام گرفته است. امروزها همه افکار زنان کمونیست، زنان کارگر تا بستنی بدور انقلاب پرولتاری سرکسز باید، که در میان پدیده های دیگر، جنبانی برای تحدیدنظر ضروری روابط مادی و جنسی میگذارد. تازه اکنون ما باید بمسائلی غیر از اشکال متداول ازدواج در میان آسوریزینهای استرالیا، با ازدواج بین حواهر و برادر در عهد باستان حق تقدم بدیم. برای پرولتاریا و آلمانی، مسئله شوهرها، معاهده ورسای^{۲۶} و اثر آن بر زندگی زنان، مسئله بیکاری، گاهن مردها، مالیات و عیالی مسائل دیگر دستور روز باقی میمانند. خلاصه کنم، من هنوز عقیده ام بر اینستکه چنین نوع آموزش سیاسی و اجتماعی در میان زنان کارگر غلط است، کاملاً غلط. چطور شما توانستید در اینمورد ساکت بمانید؟ شما باید از اختیارات حدود برعکس آن استفاده میکردید.

من بدوست پر شورم گفتم که من هرگز از انتقاد و نکوهش رفتاری زن رهبر در موارد مختلف کوناهن نگردم. ولی، همانطور که اوسیدانست هیچ پیغمبری در کشور خودش و یا در خانه اش مورد احترام نیست. با استفاده ام، من این سوطن را نسبت بحود برادرکمتم که در بهم. هنوز بقایای برخوردی سوسیال-دمکراتیک و فیلیپینیمز [ننگتری] اصول [ازمد افتاده] وجود دارد. گرچه، سرانجام ثابت شد که انتقادات من موثر واقع شده و سکن و ازدواج دیگر موضوع اصلی سخنرانیها در بحثهای عصرانه نبودند. لکن رشته بحث خود را دوباره از سرگرفت.

او گفت: «بله، بله، من اینرا میدانم، بسیاری افراد در اینمورد بمن هم سوطن فیلیپینیمز دارند. گرچه چنین برخوردی برای من زننده است، چقدر کوتاه فکری و مالموس در آن نهفته است. حب، من از این [سوطن] جدا سمخورم. این جوجه های تازه بر در آورده نوک زرد که تازه از تخم های گندیده سوزدایی سر در آورده اند، همگی بسیار باهوش هستند. ما باید بدون انحراف از راهمان، با آنها بازییم. جنمیر حوانات نیز تحت تاثیر برخورد مدرن به مسئله سکن و دل بستگی مفرط بآن فرار گرفته است.»

لکن روی کلمه مدرن با لحنی طنزآمیز و حالنی نکوهشی بار نکبه نمود.

" همچنین سخن گفته شده که مسائل سکس موضوع مورد علاقه در تشکیلات جوانان ما هم هست، و قدرت سخنرانان کافی درباره این موضوع وجود دارد. چنین مهمدتی مخصوصی برای جنس جوانان خطرناک و زبان آواراست و آسانی میتواند به افراط در سکس زیاده ببحرینک در آوردن زندگی سکسی و تلف نمودن سلامتی و قدرت جوانان منجر گردد. شما باید بر علیه آن نیز مبارزه کنید. عدم ارتباط بین جنس جوانان و جنس زنان وجود ندارد. باید زنان کمونیست ما در هر جا سئور اصولی با جوانان همکاری نمایند. چنین امری ادامه دوران مادری خواهد بود، و آسرا از حیطه شخصی به اجتماعی ارتقاء و گسترش خواهد داد. زندگی اجتماعی جدید زنان و فعالیتها و آنها باید ارتقاء یابد، تا آنها بتوانند کوشه بیهی روحیه فیلبستین و انفرادی مسئولی برخانه و خانوادها را از دست بدهند. البته این حتمی است.

" در کشور ما نیز، تعداد متناهی از جوانان مشمول تجدید نظر در مفاهیم و اخلاقیات بورژوازی در مورد مسئله سکس هستند. و بگذارید اضافه کنم که پس از بخش قابل توجهی از بهترین نخبان و پسران ما از جوانان [براکه] واقعا نیروی امیدبخش ما بند در بر میگیرد. درست همانطور که شما اکنون گفتید. در جو ایجاد شده بعد از جنگ و با انقلابی که آغاز گفته، ارزشها و ایده‌ها نولوزبکی کهنهای که در اجتماعی وجود دارند که بنیانهای اقتصادی آن در حال تغییر اساسی میباشند از بین میروند و نیروی بازدارنده‌شان را از دست میدهند. ارزشها و نویس مآهنگی در مبارزه تبلور مییابند. در مورد روابط بین افراد، و بین زن و مرد، احساسات و افکار نیز انقلابی میشوند. مرزهای جدیدی بین حقوق فردی و جمعی، ولنا و مایب فرد نیز، کشیده میشوند. اوضاع هنوز در جوشی کامل در هم سرهم هستند. رهنمود و عامل بالقوه گرایشها و متناقض متعدد هنوز نمیتوانند با وسوج کافی دیده شوند. این پروسه آهسته و اغلب بسیار دردناک، نابود شدن و وجود آمدن است. تمام این مسائل شامل بخش روابط جنسی ازدواج و مایواده نمر میشود. پوسیدگی، فساد و کثافت ازدواج بورژوازی ما صبح شکل آن، امتیاز برای شوهر و بسدگی برای زن، و روابط جنسی واحدی مطلق و تنفر استیز آن از نظر روحی بهترین و اغلب مردم فعال را مالمال از منتهی درجه نفرت

مبازد .

« خنونت ازدواج بورژوازی و قوانین بورژوازی در مورد خانواده ، پلیدی را آسانتر و اختلاقات را تشدید میکند . اس خنونت مالکیت ، نفس ، است . این [خنونت] بستی ، فروماهرکی و کثافت را سرشته میکند . و از این منداول جامعه ، محترم ، بورژوازی موالب بقیه [کارها] میشود . مردم بر علیه پلیدی ها و مفاسد منداول شورتر میکنند . بدر رما سکه ملل مقتدر در حال انهدام هستند ، رما سبکه رواسه بیلی قدرت از هم کسبند ، مگر در ، رما سبکه کسل دنیا ی اجتماعی روبه زوال میرود ، احساسات فرد تعبیری سریع راطلی مینماید و زندگی تحریک کننده ای برای اشکال متفاوتی از لذت ، با آسانی بیرونی مقاومت ناپذیری را کسب میکند . اصنجات در ازدواج و سکر معنی بورژوازی کاری از بیتر خواهد برده در حوره ، رواند حنی و ازدواج ، انقلابی - همپا با انقلاب پرولتاریا ی - فرا میرسد . البته ، رمان و جوانان دلستانگی عمیقی به مسائل پیچیده و عامی که در نتیجه این امر بوجود آمده ، نشان میدهند . هم زنان و هم جوانان از حالت آشفته کمنونی رواسه حنی بسیار رنج میبرند . جوانان بر علیه آن با شور و حرارت حنی اشان شورش میکنند . این امری طبیعی است . هیچ چیز غلطتر از این نیست که به جوانان خود - انکار راهبان و تفسیر اختلاقات کثیف بورژوازی را موعظه نمانیم . مهبنا ، مهابنه نیست که سکر - که بعد از نظر حسی احساس میشود - در چنین زمانی تا این حد از نظر روحی در جوانان برجسته شود . عواقب آن کمتر کشنده نیست . از رفیق لبلبنا راجع بآن بپرسید . او با بستی در کار وسیع مواسات آموزشی با سواج مختلف آن تعارب زیادی داشته باشد و شما مبدانید که او سر تا پا بیث کمنونیت است و هیچ تعصبی ندارد .

« البته بر حورد تعدیل یافته به مسائل سکر ، اساسی ، و بریا به نظوری است . بسیاری از مردم آسرا ، انقلابی ، و ، کمنونیتی ، مبعوانند . آنها صمیمانه منتقدند که چنین است . من مرد پیری هستم و بآن علاقه ای ندارم . من ممکنست زاهد نریشروی باشم ، ولی حملی سکر است اسن با اصلاح ، زندگی سکی جدید » جوانان و مکررا مالمنان نیز - بنظر من کاملاً بورژوازی میگردند و آسرا حیلی ساده دامه مرا ببهای آشنا ی بورژوازی قدیم تلقی میکنند ، و همه آنها مبع و مبع مدترکی با عشق آراد -

آنگونه که ما کمونیستها درک میکنیم - ندارد . بیشك شمارا جمع با این تئوری معروف شنیده‌اید که در جلسه کمونیستها ارضا و خواستهها و جنسی و آرزوی عشق بهمان اندازه آنان و بهیچها افتاده است که نوشیدن يك لیوان آب . بحثی از جوانان ما راجع به تئوری لیوان آب ، دیوانه ، کاملاً دیوانه شده‌اند . و این برای بسیاری از دختران و پسران جوان ، مرگبار بوده است . هواخواهان آن چنین بیان میکنند که این تئوری مارکستی است . من سهمی از این نوع مارکسیسم نمیخواهم که همه پدیدهها و هرگونه تفسیرانی در روبنا و ایدئولوژیکی اجتماعی را مستقیماً و بیادگی ناشی از پایه اقتصادی آن میدانند ، چون پدیدهها آنطورها هم ساده نیستند . فرد معروفی مثل فردريك انگلس این موضوع را منتهای پیدر در رابطه با مائربالیزم تاریخی بنیان گذاشت .

" من تئوری ' لیوان آب ' را کاملاً غیر مارکستی و علاوه بر این ، ضد اجتماعی تلقی میکنم . نه تنها آنچه طبیعت داده ، بلکه آنچه - چه در سطح بالا و چه در سطح پایین - فرهنگ شده است ، که در زندگی کسی نقشی ایفا میکند . انگلس در کتابش ' منشأ خانواده ' اشاره میکند که چقدر مهم بود که روابط جنسی مشترك به عشق جنسی فردی توسعه یافت و بنا بر این نا بنتر گردید . روابط بین زن و مرد ، بیان ساده نفوذ دوجانبه بین خواستهها و اقتصادی و جسمانی که عمداً برای آزمايش فیزیولوژیک انتخاب میشوند ، نمیباشد . این را سهونالیزم است و نه مارکسیزم که میگوید تفسیر در این روابط را مستقیماً به غالوده اقتصادی جامعه و بطور مجزا از ارتباطی با ایده‌ها و لوزی ، بمثابه يك کل نسبت دهد . بعنوان مثال ، تشنگی باید رفع گردد ، اما آیا يك فرد عادی [طبیعی] معمولاً كس را حبابان دراز میکند و از گودالی آب مینوشد ؟ یا حتی از لیوان آبی که لبه اش با لبهای بسیاری چرب شده است ؟ ولی جنبه اجتماعی از هر چیز دیگری بر اهمیت تراز است . نوشیدن آب واقعا امری فردی است . ولی عشقبازی بدو فرد نیاز دارد ، و احتمالاً يك شخص سوم ، يك زندگی جدید ، بوجود میآورد . چنین عملی جنبه‌ای اجتماعی دارد و وظیفه‌ای برای جامعه تشکیل میدهد .

" بعنوان يك کمونیست من ابتدا علاقه‌ای به تئوری ' لیوان آب ' علیرغم عنوان جالب توجیهی ' آزادی عشق ' ندارم . علاوه ، آزادی عشق نه چیز تازه‌ایست

ونه ابد است کمونیستی • شما بحالتر خواهید آورد که در ادبیات لطیف حدود نیمه قرن گذشته جنبین چیزی بعنوان • آزادی قلب • مطرح شده بود و در عمل بورژوازی بعنوان آزادی بدن جلوه گر شد • این امر بادقتی بهتر از حالا موعظه میشد • گرچه نمیتوانم قضاوت کنم چگونه عمل میگردد • نه اینکه من بخواهم انتقاد پارسی را اشاعه دهم • این از افکار من فاصله دارد • کمونیزم نباید پارسی بهسراه آورد • بلکه لذت و بیهوشی - من ما هر چیزها - از زندگی عشقی کامل سرچشمه میگردد • در حالیکه امروز • به عقیده من زیاده روی در زندگی جنسی • نه لذت و نه بنیه مبادورد • برعکس • آنها را مختل میازد • و در عصر انقلاب • این بد است • خیلی هم بد •

• جوانان بخصوص نیازمند لذت و بنیه هستند • ورزشهای سالم • مانند ژیمناستیک • شنا • راه پیمایی • انواع تمرینهای بدنی و طیف وسیعی از علائق روشنفکرانه • همچنین آموزش • مطالعه و تحقیق • و تا آنجا که ممکنست بصورت دسته جمعی چیزی است که آنها احتیاج دارند • جنبین چیزی خیلی بیشتر از آن سخنرانیها و بحثهای بی آنها روی مسائل سکس و باصطلاح زبستن بنا بطبیعت خود • برای جوانان مفید است • *MENS SANA IN CORPORE SANO* • راهب باهر و نهدون ژوان • ولی چیزی بمن ایندو • مانند فیلیپین آلمانی • هم نباشد • شما رفیق جوان ایکی را میناسید • او جوانی بسیار خوب و بسیار با استعداد است • با همه اینها • من معتقدم که او هرگز چیزی نموده • او مرتباً ماجراهای عشقی دارد • این برای مبارزه سیاسی و انقلاب خوب نیست • من قابلیت • اعتماد و استقامت زن را سرا که ماجرای عشقی شان با سیاست مخلوط میشود • با مردانی را که دنبال هر لجن ببری افتاده و با هر ماده جوانی در میآمیزند • تضمین نمیکنم • نه • نه • جنبین چیزی با انقلاب جور در نمیآید •

لنین روی یا برجهد • و باسحق بروی مهر کوبید و بالا و پائین اطالی قدم

زد •

• انقلاب تمرکز و تجمع هر نیرویی از توده ها و افراد را مجتلبد • و شرایط مبنایی آنقدر معمول در میان قهرمانان فاسد زن و مرد دو آنونرپو را تحمل

میکنند • هرچ و مرج در امور جنسی، بورژوازی است • علامتی از فساد است •
 پرولتاریا طبقه‌ای بالنده است • نه به محضی که او را گنج با تحریر
 سعادت و وسعت و لذت‌گاری جنسی با الکلی نیاز دارد • افساد و کثافت و بربریت
 سرما به داری را فراموش نمی‌کند و نخواهد کرد • او قوی‌ترین الهام‌ها را برای مبارزه
 از موضع طبقاتی این • و از ابده کمونیستی می‌گیرد و آنچه بآن نیاز دارد
 روشنگری است • روشنگری و روشنگری بیشتر • بنا بر این تکرار میکنم • هیچ‌گونه
 ارزی‌ها بدتصمیمات و تلفات و اسراف شود • کنترل و انضباط شخصی بردگی نیست •
 حتی در امور عشقی • ولی مرا ببخشید کلارا • من از نکته‌ای که برای بحث
 گذاشته بودیم منحرف شدم • چرا مرا متوجه آن نکردید؟ اضطراب مرا بصفت
 کشاید • من به آینده جوانانمان از صمیم قلب می‌فکرم • این يك بفر و چرا انقلاب
 است • وقتی عناصر ضریکه از جامعه بورژوازی به جهان انقلاب
 می‌بازند و مثل ریشه‌ها و ریزگ و ریزگ علف‌ها و هرزه گسترش می‌یابند • نا هر شد
 بهتر است که عملی سریع بر علیه آنها انجام گیرد • مسائلی که ما با آن برخورد
 کرده‌ایم نیز قسمتی از مشکلات زنان است •

چنین با هیجانی زهاد و رعیتی عمیق صحبت مینمود • من میتوانستم
 احساس کنم که هر دوازه‌ای از قلب او بر می‌آید و در حالت صورتی این احساس را تشدید
 مینمود • گاهی او بعضی افکار را با زحمتها و پراشوری تا کبد میکرد • من
 متعجب بودم که میدادم او تا چه اندازه به امور پیشین با افتاده توجه مینمود و
 تا چه اندازه با آنها • پهلوی به پهلوی مسائل بسیار مهم سیاسی آشنا بی داشت •
 و نه تنها در مورد روسیه شوروی • بلکه در مورد کشورهای سرما به داری نیز همین‌طور •
 او چه مارکسیست‌عالی‌ای بود • او جرأت را در هر جا و بهر شکلی که حواس را نشان میداده
 در راه‌های با • و تا ثمری بره‌کل درک مینمود • همه پشتکار و مقصودش با یگانگی
 نزلت نا بدیری • مانند نیروها و مقاومت نا پذیر طبیعت • بر روی قصد تریع انقلاب
 بعنوان کار توده‌ها • منمکر شده بود • او هر چیزی را بر حسب تاثیرش بر
 نیروها و محرک آگاه انقلاب • هم ملی و هم بین‌المللی • ارزیابی مینمود • بر او
 در حالیکه خصوصیات مشروط تاریخی هر کشور و مراحل مختلف انکشافشان را
 ارزیابی میکرد • همیشه چشمش بر انقلاب تجزیه‌نا پذیر پرولتاری سر ارجهان بود •

با شگفتی گفتم: « رفیق لنین! جقدر متاسفم که صحبتها و شمارا صدها و هزارها نفر نمیشنوند. و همانطور که میدانید، شما میخواهد [عبدیه] مرا تا میر بدهید. جقدر برای دوست و دشمن مهم مسود که عقابند شما را بشنود! »
لنین با مهربانی تبسمی کرد.

« ممکنست روزی من روی سائلی که بحث کردیم صحبت کنم یا بنویسم. ولی بعدها نه اکنون. اکنون همه وقت و نیروی ما باید روی چیزهای دیگر تمرکز باشد. کارهای مشکل تر و بزرگتری هست که با بدانجام نعیم. مبارزه برای ادامه و استحکام دولت شوروی هنوز بهیچوجه پایان نیافته است. ما باید نتیجه جنگ لهستان^{۳۲} را تحمل نموده و بیشترین استفاده ممکنه را از آن ببریم. ورا نکل هنوز دست از سر جنوب برنداشته است. این درست ولی من عمیقاً قانعنده ام که از عهده او بر حواهم آمد. این به امپریالیستها و انگلیسی و فرانسوی و غیره. خوران خردشان فرستی برای فکر کردن خواهد داد. ولی مشکلترین بخش وضع ما، باز سازی، هنوز در پیش است. چنان امری سائل روابط جنسی، ازدواج و خانواده را نیز بهتر خواهد کشید. در ضمن، شما مجبور خواهید بود تا حد ممکن و در مکان و زمانی که لازم است، از پس آن برآید. شما نیابتی اجازه بدهید که باین سائل بطریقی غیرمارکسیستی برخورد شود و با آنسها بعنوان پاسهای برای انحرافات تحزبه طلبانه و نسبه مازانه استفاده شود. اکنون بالکتره بکار شما میرسیم. »
لنین با اعتراض اشاره کرد.

گفت: « نصف وقتی را که برای شما در اختیار دارم هم اکنون گذشته است. خیلی بیچاردگی کردم. شما باید تزهائی بیشتر در مورد کار کمونیستی در میان زنان تهیه نمائید. من برخورد اصولی و تجربه عملی شما را میدانم. لذا صحبت ما در این مورد مختصر خواهد بود. شما بهتر است دست بکار شوید. فکر میکنید چه نوع تزهایی با بحثی باشند؟ »

من در این مورد گزارشی موجزی دادم. لنین بدون قطع صحبت [من] چندبار سرش را بعنوان تصدیق تکان داد. وقتی تا تمام رساندم باحالت بیحرآ مپیزی با و نگرینم.

او اظهار داشت: « صبح همچنین بهتر میبود اگر شما در جلسه‌ای از رفتاری مسئول زن حزبی راجع بآنها اطلاعاتی داده و در مورث بحث میگردید. بسیار بد شد که رفیق اینسا [آرامند] در اینجا نیت. او بیمار است و به قفقاز رفته است. بعد از بحث‌نیزها را بطور کنجی ارائه دهید. کمیته‌ای آنها را بررسی کرده و کمیته اجرایی تصمیم نهایی را [در باره پذیرش آنها] خواهد گرفت. من عقیده خودم را تنها در مورد چند نکته اصلی - که با نظر شما کاملا موافق است - میگویم. آنها همچنین برای کارهای تهیه‌چی و تبلیغی ما ما گراها را برای عمل و برای مبارزه‌ای به روزمند هموار سازند. بنظر من مهم میآیند.

«نیزها باید پشت‌براین تکیه کنند که آزادی واقعی زنان جز از طریق کمونیسم امکان پذیر نیست. شما باید تکیه را بر ارتباط ناگسستی بین وضع انسانی اجتماعی زن و مالکیت خصوصی و مایل تولید و قرار دهید. چنین چیزی خطی قوی و پاک نقدنی بر علیه جنبش بورژوازی و رها بی زنان خواهد کرد.»

این نیز شما باید برای بررسی مسئله زن بعنوان بخشی از مسئله اجتماعی طبقه کارگر خواهد داد و آنها شدیداً به مبارزه طبقاتی پرولتاری و انقلاب عظیم میکنند. جنبش زنان کمونیست، خود باید یک جنبش توده‌ای - بخشی از جنبش توده‌ای کل - و نه تنها [بخشی از جنبش] پرولتاریاها بلکه [بخشی از جنبش] همه ستمدیدگان و استثمار‌شدگان و همه قربانیان سرمایه‌داری و طبقه ممتاز باشد. در اینجا نیز اهمیت جنبش زنان در مبارزه طبقاتی پرولتاریا و رسالت تاریخی آنها آفرینش یک جامعه کمونیستی و نهفته است. ما میتوانیم بحسب مقرر باشیم از اینکه گل زنان انقلابی در حزبمان را در کمینترن داریم. ولی این تعیین کننده نیست. ما باید میلیونها کارگر زن در شهر و روستا را به مبارزه مان و بخصوص به تجدید سازمان جامعه بکشانیم. هیچ جنبش حقیقی توده‌ای بدون حرکت زنان نمیتواند وجود داشته باشد.

«عقاید تشکیلاتی ما از نظریات ابده انولوزیک مسا ما به میگرد.»

ما تشکیلات جداگانه زنان کمونیست را نمیخواهیم! زنی که کمونیست است درست مانند مردی که کمونیست است. بعنوان یک عضو به حزب متعلق میباشد. آنها حقوق و وظایف متساوی دارند. هیچ اختلاف عقیده‌ای در این زمینه نمیتواند وجود داشته باشد.

لذا ما نباید چنانمان را بروی حقایق ببندیم . حزب با یستی دارای ارگان
 هایی - گروههای کار و کمیسیونها ، کمیته ها ، محورها با هر چیز دیگری که
 مسئولیت نامیده شود - باشد با هدف مشخص برای تکمیلش بوده های وسیع زنان ما بحد
 ارتباط میان آنها و حزب و نگاهداشتن آنها تحت نفوذ حزب . چنین چیزی طبیعتا
 مبارزانه کار نیست تا تیک در میان زنان است . ما باید بزبان بیدار بیاآموزیم .
 آنها را به مبارزه طبقاتی پرولتاری تحت رهبری حزب کمونیست بکشانیم ، و آنها
 را برای آن مجهز نمائیم . من وقتیکه اینرا میگویم تنها زنان پرولتاریا چه
 آنها که در کارگاهها هستند و چه آنها شبکه غذای خانواده را میپزند ، را در
 نظر ندارم . من زنان دهقانی و زنان بعضی های مختلف طبقه متوسط پائین را نیز
 در نظر دارم . آنها نیز بعد از جنگ سبب از هر زمان دیگر ، قربانان سرمایه داری
 هستند . عدم علاقه به سیاست و روحیه عقب افتاده و ضد اجتماعی چنین توده هایی
 از زنان ، دید تندگ فعاليتهاي آنان و همه الگوی زندگی آنها ، حقایق انکارناست -
 پذیری هستند . احمقانه است که از آنها غفلت نمائیم ، مطلقا احمقانه ، باید
 گروههای ما با مشغول مخصوص آزمینا بون [تهدیه] ، و شکلها ی مخصوص تکمیلی
 در میان آنان کار کنند . این فمینیسم [جنبش تساوی طلب زنان] بورژوازی نیست ،
 این يك صلحت عملی انقلابی است .

به لنین گفتم که بحث های او مشوق با ارزشی برای من بودند . رفقای
 بسیاری حتی افراد بسیار خوب منهدمدا مخالف با کار گروههای مخصوص بسرای
 کار با نقشه در میان زنان بودند . آنها آنها بعنوان برگشت به جنبش رسوای
 " رهایی زنان " با سخن سوسال - دمکراتیک ، مردود بشمرند ، اما مینمودند
 که از آنجا که احزاب کمونیستی بزنان مساوات داده اند ، نتیجتا آنها باید بکار
 خود بدون قابل شدن تفاوتی بهم تمام زحمتکشان در مجموع ادامه دهند . بر خورد بزنان
 مردان با یستی یکسان باشد . هرکوشی برای توجه به شرایطی که لنین در مورد
 تهیج و سازماندهی در نظر داشت ، از طرف نمایندگان این نظر بعنوان فرصت طلبی ،
 چشم پوشی از حیانت به اصول اساسی ماركس مینورد .

لنین گفت : " جنبش امری جدید و قطعی نیست . نگذارید شمارا منحرف
 سازد . چرا هیچ جا ، حتی در روسیه شوروی ، در حزب تعداد زنان با اندازه تعداد

مردان نیست؟ چرا تعداد زنان در اتحادیه‌های صنفی اینقدر کم است؟ چنین حفاظتی [میتوانند] ما را بفرگردانند و نادارند. انکار گروه‌های مخصوص ضروری برای کار در میان نوده‌های رمان، بخشی از برخورد بسیار با پرنسب و بسیار رادیکال دوسنان عزیز حزب کارگران کمونیست^{۲۸} ما میباشد. آنها برای این عقیده آمد که تنها یک شکل از تشکلات باید وجود داشته باشد. اتحادیه کارگران. من راجع بآن میدانم. هر زمان که عدم تفاهم وجود دارد، یعنی هر زمان که فکر از قبول حفاظت واقعی که بایستی مورد توجه قرار گیرند. ایسا میکنند. پرنسبها از طرف بسیاری از افراد انقلابی فکر ولی سردرگم علم میشوند. چگونه این نگاهبانان، ناب بودن پرنسبها، از عهده ضروریات تاریخی صنفی انقلابی ما برمیآیند؟ تمام حرفتان در مقابل ضروریات سرعت در هم می‌شکند. ما نمیتوانیم دیگه توری پرولتاریا را بدون داشتن میلیونها زن در کنار خود اجرا کنیم. و نمیتوانیم بدون آنها درگیر ماعتن کمونیسم شویم. ما بایست راهی برای رسیدن بآنها بیابیم. ما باید مطالعه و تحقیق کنیم تا این راه را بیابیم.

• بنا بر این از نظر ما کاملاً صحیح است که مطالباتی برای منافع زنان مطرح نمائیم. این یک برنامه حداقلیها، برنامه‌ای رفرمیستی با محتوی وسیع‌المدکراتیک. از نوع استرناسیونال دوم^{۲۹} - نیست. این نشان دهنده آن نیست که ما به سوز و آزی معتقدیم و دولت آن برای همیشه، بیاحتی برای مدتی طولانی باید از عواهد ماند. با این کوشش برای آرام ساختن نوده‌های زنان با رفرمها و معترف کردن آنها از راه مبارزه انقلابی نیست. این چیزی از این نوع نبوده، و همچنین نوعی لاف رفرمیستی نیست. مطالبات ما چیزی بهتر از آن نتایج عملی است که ما از سیاه‌های مبرم و تحقیرهای شرم‌آوری که زنان ضعیف و محروم [از مرابای اجتماعی] تحت سیتم سوز و آزی محبور به تحمل آنها بودند [بمرون] کشیده‌ام. بدینوسیله ما ثابت میکنیم که از این احتیاجات و ظلم بزنان آناه هستیم، که ما از موقعیت ممتاز مردان با اطلاع میباشیم، و ما نفرت. بلکه نفرت. داریم و میخواهیم همه آزار و ستمها بهرا که در مورد کارگر زن همکارگره زن دهانی و هم مرد مرده‌ها، و حتی در بسیاری موارد زن طبقات مالک اعمال میشود

از میان برداریم. حقوق و اقدامات اجتماعی را که ما جامعه بورژوازی برای زنان مطالبه داریم گواه آنستکه ما موفقیت و منافع زنان را مرتکب کرده و با آنها تحت دیکتاتوری پرولتاریا توجه خواهیم نمود. طبیعتاً نه بعنوان فرمبختنهای مفسر و منوی نه به پیچوجیه بلکه بعنوان انقلابیونی که زنان را دعوت میکنند که بطور برابر در تجدید ساختمان اقتصادی و روبنای ایدئولوژیکی دست داشته باشند.

لنین را مطمئن ساختیم که من هم همان عقیده را دارم اما بدون شك با آن مخالفت خواهد شد، آنها را چون و ناپدید آسرا بعنوان اپورتونیسم مشکوک رد خواهد کرد. منکر اینهم نمیتوان شد که مطالبات کمونی ما برای زنان ممکنست بطور نادرست فهمیده و بیان گردد.

لنین و تا حدودی عصائی و فریاد زده که چه؟ چنین رهکی در هر چیزی که ما میگوئیم و انجام میدهم وجود دارد. اگر ما اجازه نهم ترس از این ما را از انجام ضروریات و مقتضیات ما رد کرده ممکنست بهتر باشد که به [جوکیها] [که روی ستون دراز میکشند] تبدیل شویم. [در آن صورت] ما نباید جنب معوریم و هیچ قیمتی نباید حس خورد و وگرنه از ستون پرطمطراقی برسببها همان فرو خواهیم افتاد. در مورد ما موضوع تنها این است که چه مطالبه میکنیم بلکه اینکه چگونه مطالبه میسازیم. بطرح میسازیم. من معتقدم که آسرا با اجازه کافی روشن ساختم. مقل حور در میآید که ما در تبلیغ مان با نیاز سالنات خود بقی سزای زبان با زیم نه ما اکنون با سزای ایما و سزای با برمالنات و مطابق شرایط موجوده و طبیعتاً همیشه همراه با منسب کلی پرولتاریا و بحکم.

هر سزای از این نوع ما را بسنه نماند و بسنه محترم بورژوازی و سزایگران فرمبخت محترم قرار میدهند. چنین امری بسنه اخیر [فرمبختها] را مجبور میکند یا نهم رهبری ما سزاکند که آنها میخواستند با نشان را بسازند. سزای بن و سزای ما را از آنها جدا میارند و چهره کمونیستی ما را نشان میدهند و این امر موجب میشود که توده زنان که خود را استثنا رنده بسرده و خرد شده سزای مرد قدرت کار فرما با نشان و کل جامعه بورژوازی احساس

میکنند ما شما نشان بسوی ما جلب شود.

زنان کارگر که از همه طرف تنها گذاشته شده و مورد تبعیضات قرار گرفته اند، تنهایی
 مینموند که باید دوشادوش ما بجنگند. آیا من باید افرار کنم، یا شما را وادار با قرارم
 که مسارره برای حقوق زنان همچنین باید هدف اساسی ما - قبضه قدرت و انتقال
 دیکتاتوری پرولتاریا - ارتباط داشته باشد. هم اکنون ما بین امرها لغبی ما بوده
 و مواضع بوده. این واضح است، مطلقا واضح. ولی اگر فقط ما ما بین این مطالبه
 نجسیم، حتی اگر آسرا بتوان در شهپورها و جرنگ [شهری در اردن عربی عهد
 "احیل" [حار برنیم، نوده های ویمی از زنان کارگر ما بدون مقاومت
 مسارره برای [کسب] قدرت دولتی، کشانده نخواهند شد. نه هر ارشاد نه! ما باید
 درخواست مان را از لحاظ سیاسی سرانجام داده ها و یرون با رجها، نیازها و آرزوهای
 زنان کارگر توأم سازیم. آنها مدتی با بستی بدانند که دیکتاتوری پرولتاریا
 برایشان چه معنی خواهد داد. مساوات کامل با مردان، هم قانونا و هم عملا
 در خانواده، دولت، جامعه، که همچنین منصف فمینیست و سوزواری میباشند.

من ذوق زده گفتم: "روسیه شوروی اینرا اثبات میکنند. این سرمشق بزرگ

ما خواهد بود."

لبنی ایامه داده

"روسیه شوروی نور جبهه‌ی به مطالبات ما برای زنان میافزاند. تحت
 دیکتاتوری پرولتاریا، آنها دیگر موضوع مبارزه بین پرولتاریا و سوزواری
 نیستند. همین که این [مطالبات] اجرا شدند، آنها بعد از آن آجرهای ساختمان
 جامعه کمونسیتی بنابر میروند. اس امر اهمیت حیاتی قبضه قدرت را بوسیله
 پرولتاریا از حده دیکتاری بزنان کنار میدهد. باید بنادرت بین مومنتا جمعا -
 می آنها در اینجا و آنجا [قبل از قمه قدرت] با برجستگی کاملا واضحی
 نشان داده خودنا بنسیمانی نوده های زنان را بر مساررات شناسی انقلابی
 پرولتاریا کسب می‌کنیم. بحرکت درآوردن نوده های زن، [اگر] با درک روشنی
 از اصول و بر پایه شکلهائی محکمی اجرا خوده ستلهای سیاسی برای احزاب
 کمونسیتی و بیرونیها و آنان میباشد. ولی بگذار خود را فریب ندهیم. بجنها

ملی ما هنوز در نرسیده کامل این مسئله کمبود دارند. آنها سرحدی عرفی فعاله دارند
 زمانیکه وقت ایجاد جنبش بوده ای زنان کارگر تحت رهبری کمونیستی میشود و
 نماشا را پیش میگیرند. آنها تشمیخ نمیدهند که کسرتش ورهبری چپین حسنیت
 توده ای بحث مهمی از همه فعالیتها و حرسی و با اندازه سنی از همه کار حزب و
 میباشد. تشمیخ گاه و بیداه آنها در مورد بیمار و ارره پست حسب منحکم و
 با هدف وسیع زنان کمونیستی تنها زیر لفظی مطلقا معنوی [افلاتونی] است تا
 علاقه ای بیکدیگر و وظیفه حزبی.

"آنها [بخشهای ملی] تهمیح و تبلیغ در میان زنان و وظیفه بیدار کردن
 و انقلابی کردن آنها را در درجه دوم اهمیت و بعنوان وظیفه تنها زنان کمونیست
 میانگارند. چون مسئله با سرعت و حلت بیشتری پیش نمیرود و هیچکس بفرما از اینها
 [زنان کمونیست] سرزنش نمیشود. این غلط است و اما غلط! این تجزیه طلبی
 نام است! و چنانکه فرانسویها گویند، سراسری زنان REBOURS یعنی
 برابری معکوس است. چه در پشت برهورد نادرست بخشهای ملی ما قرار دارد؟
 (من از روسیه شوروی صحبت میکنم.) در تحلیل نهایی و این کم بها دادن به
 زنان و سناورهای آنان است. این درست همان چیز است که هست! منافانده
 هنوز میشود درباره بسیاری از رفا بیان گفت. این [پومنه] کمونیست را سزا شده
 بک فیلیمین بیدار میشود. برای اطیبان و شما باید نقاط حاسه مثل
 طرز فکر آنها در مورد زنان را سزا شده. آنها میتوان نموده ای محسوسا از این سطره
 معمولی را یافت که مردی با خون سردی و زنی را که مویش را با کارهای حریمی و بکنواحت
 وقت گهرو نوا بفرما مثل خانه ناری حسته مبارزتها میشود و میبندد کسسه
 روحیه ام فرماییش میباید فکری کل میشود و سربان قلمرو ضعیف میگردد و
 اراده اش رور به سنی مینهد؟ بدیهیت که من خانمهای سوزنواهی را نمیگویم
 که همه کار خانه و مواظبت بچه ما بشان را به مستخدم واگذار میکنند. آنچه
 میگویم در مورد اکثریت وسیع زنان و منحلله همراگان کارگران و حتی اگر ایشان
 رور را در کارخانه بگردانند و پولی بده آورنده صدای دارد.

• شوهران محدودی نه حتی پرولتارها، فکر میکنند که اگر این کارها و زنان
 کمک میکردند تا چه حد میتوانستند بار و نشوهرها و همراشانرا کم کنند با کاملاً

ارسمبرند. ولی نه ما بسن بر خلاف مقام و شان شوهر است. او سمواعد که اسراحت و راحت داشته باشد. زندگی ما بی زن ندا کردن روزمره او بحاطر هزاران چیز حریبی بی احمیت است. حقوقی که شوهرش را با او با حبیبی بی توجه بجای باقی میمانند. از نظر عینی و برده شوهر [یعنی زن] انتقالش را که در زندگی معنی شده است. میگوید: [بدین طریق که] عقب ما سدگی وعدم نیک او از ایده. آنها و انقلابی شوهرش چون ما نمی در راه روحیه همم بمبارزه شوهرش عمل میکنند. و مثل کرما بی ریز هستند که ریشه را بطور نامحسوس با هستگی ولی با اطمینان محسوس و خراب میکنند. من زندگی کارگران راه و نه فقط از روی کتب میدانم. کار کمونیستی ما در میان توده های زن و کارهای ما در کل و مستلزم کار آموزشی معنایی در میان مردان است. ما باید نقطه نظر برده داری قدیمی راه هم در حزب و هم در میان توده ها از ریشه برکنیم. این یکی از وظایف اساسی ماست و وظیفه ای که درست بهمان اندازه لزوم فوری دارد که بکارگذاشتن کارمندان مرکب از رفقا - زن و مرد - با تربیت کامل تشویک و عملی برای کار حزبی در میان زنان کارگر.

به سوال من راجع به شرایط حال حاضر در روسیه شوروی و لغتین پاسخ داده. حکومت دیکتاتوری پرولتاریا - البته همراه با حزب کمونیست و اتحادیه های اصناف - برای غلبه نمودن به نظرات عقب مانده زنان و مردان و برنتیجه ریشه کن کردن روحیه کهنه و غیر کمونیستی و هرکوشی را اعمال مینماید. بدیهی است زنان و مردان در برابر قانون کاملاً برابر هستند. خواستی صمیمانه برای تاثیر بخشیدن این برابری در همه حیطه ها هویدا است. ما زنان را در اقتصاد و مدیریت. قانون گذاری و حکومت نامنوبی میکنیم. تمام دروس [رشته ها] و موسسات آموزشی بروی آنها باز است. تا آنها بتوانند آموزش حرفه ای و اجتماعی خان را بهبود بخشند. ما آغیزخانه های دسته جمعی و ماگسن ناها رغبوری عمومی. رختشوییها و نمبرگاهها، شهرخوارگاهها، کودکانها، خانه های [برای] کودکان و موسسات تحصیلی از هر نوع تشکیل میدهیم. بطور خلاصه ما در اجرای سازمندیهای برناممان در مورد انتقال امور خانه داری و آموزشی از خانوار فردی به جامعه و کاملاً جدی هستیم. بنا بر این زن از بردگی خانگی قدیم و همه

و ابستگی به همسران ما میزودد. اوفاسر میشود به قابلیتها و نمایانتر در جامعه
 کما ملاتحقف بخشد. به سببها فرصت‌هایی بهتر از منزل برای پرورششان داده می-
 شود. ما مترقی‌ترین فواید همین مربوط به کارکردها در دنیا داریم که توسط نماینده-
 گان مشول تشکیلات کارگری بمورد اجرا گذاشته میشود. ما در حال تاسس-
 زابتنگاهها، مدارسهای مادر و فرزند، مراکز بهداشت ما در راه دروس مواست از
 شیرحوارگان و کودکان، نماینده‌های مواست از تودک و احوال اینها، می-
 باشیم. ما برای تامین [زندگی] زنان محتاج و بستکار از هیچ کوشی فروگذار
 نمیکنیم.

• ما کاملاً بحوسی مداسیم که با در نظر گرفتن احتیاجات زنان کارگر،
 همه اینها هنوز کم است، و چنین امری هنوز برای رهایی واقعی آنها
 کافی نیست. ولی این گامی عظیم نسبت به آنچه در روسیه تراری و سرما به دایر
 وجود داشت، میباشد و بعلاوه، در مقایسه با اوضاع و احوال جابیکه سرما-
 به داری هنوز نفوذی بکبارچه دارد، موفقیت بزرگی است. ما این آغاز خوبی درجهتی
 صحیح است، و ما آنرا بیکیرانه، و نیز با همه انرژی موجود، ادامه خواهیم
 داد. شما در خارج مطمئن باشید. چون هر روزی که میگذرد و اسختر میشود که ما
 نمیتوانیم بدون [حرکت] بلبلونها زن به شرفت نماییم. تصور کنید این در کشوری
 که یکجا، ۲۸ حصیت آنرا به قاضان تشکیل میدهند، چه ممی میشود. مزارع گو-
 جک به قاضی دلالت بر خانه داری فردی و اسارت زنان دارد. در این مورد [وضع]
 شما برای انقلاب خیلی بهتر از ما میباشد. بشرط آنکه پرولنارهای شما بالخره
 درک کنند که از نظر تاریخی زمان برای، قبضه قدرت مناسب است. در ضمن عملی-
 رغم مشکلات بزرگ، ما نا امید نمیشویم. همانگونه که این [مشکلات] زیاد میشوند
 قوای ما نیز رشد میکنند. ضروریات عملی نیز ما را مجبور بیا فتن طرق جدیدی
 برای رهایی نوده‌های زن میکنند. همراه با دولت شوروی، همبستگی رفیقانه
 هرگه میکند. صحیح اطلاع، منظور همبستگی رفیقانه بمفهوم کمونیستی
 است. نه بورژوازی که توسط فرمبسنهایی موعده میشود که شور انقلابیست
 مثل بوی سرکه ارزان تبخیر شده است. اینکار شخصی، که به فعالیت استجمعی
 منتهی میگردد و با آن عین میشود، با پدمراه با همبستگی رفیقانه باشد. تحت دیکتا-

نوری پرولتاریا را با همی زنان از طریق تحقق کمونیسم در دستاورد. نیز پیش خواهد رفت. در این زمینه من از آنکه سعی کردن صنعت و کثرت برر یسان انتظارات بسیاری دارم. این طرح بزرگی است! برای این راه مشکلات بررگی وجود دارند بسیار بزرگ. نیروهای قدرتمند نهانی در توده‌ها با بستی رعاشده و تربیت‌شوند تا بر آن [مشکلات] غلبه نمایند. میلیونها زن باید در این [امر] شرکت کنند.

کسی در ده دقیقه اخیر دوبار در زده اما لنین که صحبتش ادامه داد و بود: اکنون در را باز کرده و فریاد زد:

"دارم می‌آیم!"

او بطرف من برگشته و با ایچندو...

"میدانید که کلزا، من از این حقیقت که با زنی مکالمه میکردم استفاده کرده و بر حرفی معروف زنان را بعنوان عذری برای تأخیرم خواهم آورد. گرچه اینبار این مرد بود که بیشتر صحبت میکرد نه زن. بسورگلی و باید بگویم که شما واقعاً شنونده خوبی هستید. و احتمالاً همین امر بود که مرا به اینهمه صحت تحریک نمود."

با این تذکره‌ای آمیر لنین مرا در پوشیدن کتک نمود.

او با نگرانی پیشنهاد نمود: "شما باید لباس گرمتری بپوشیده مسکو مثل اشنونگارت نیست. شما احتیاج بکسی دارید که از شما مراقبت کند. شما بحورید. سلامت."

او دستم را محکم فشرد.

* * *

من گپ دیگری راجع به جنبش زنان حدود چهارده شب بعد با لنین داشتم. لنین بیدار من آمد. تقریباً مثل همیشه ملاقات او غیرمنتظره بود. ملاقاتی با لیداه بود که در مرضی [سرکوران] کارسنگین و بزرگی که توسط رهبر انقلاب ظفرمند احسام شده بود صورت گرفت. لنین بسیار حسته و نگران بنظر می‌آمد. ورا نگل هنوز داغان شده بود و مسئله عرضه آذوقه به شهرهای بزرگ مانند ابوالهول سنگدلی در برابر حکومت شوروی فرار داشت.

لنبن برسید ترها در چه حالند یا وگفتم که کمیون بزرگی در شور بود که همه کمیونستهای برحسب زن حاضر در مرکز در آن محور یافتند و عقاید خود را بیان نموده بودند. سرها حاضر بوده و اکنون سوخته کمیون کوچکی باید بصورت بحث گذارده شود. لنبن اشاره نمود که ما با یمنی برای تشکیل سومین کنگره جهانی^{۴۰} بکوشیم و مسئله را با دقت بررسی نمائیم. همین حقیقتی بنیادین است و بیست و نهم از رفتاری ملاحظه می‌کند. بهر حال زنان کمونیست با بسند اولین کسانی باشند که امور را با شوق در دست گیرند.

لنبن با هیجان بیان نمود: « مثل افراد وراج و پرگو پیچ نکنند بلند و واضح، آنچه‌آنکه مبارزان را باید به صحبت کنید. یک کنگره سالنسی نیست که در آن همانطور که در داستانها میخوانیم، زنان جذابت خود را به عرض نمایش گذارند. یک کنگره صحنه نبرد است که برای دانشی که در عمل انقلابی نیاز داریم مبارزه میکنیم. نشان دهید که شما میتوانید مبارزه کنید. البته در مرحله اول بر علیه دشمنانمان، اما در صورت لزوم و در درون حزب هم [با بد مبارزه کرد]. گذشته از همه اینها توده‌های وسیعی از زنان در خطر هستند. حزب روسی ما از تمام پیشیانات و اقداماتی که به پیروزی این توده‌ها کمک کند پشتیبانی خواهد نمود. اگر زنان با ما نباشند ضد انقلابیون ممکنست در شوراندن آنها بر علیه ما موفق شوند. ما باید همیشه همراه آنها داشته باشیم ».

در تعقیب حرف لنبن گفتم: « ما باید توده زنان را جذب کنیم حتی اگر آنها همانا که اغتراف شوند میگویند با زنجیر به پشت [سپهر] می‌کوب شده باشند. » و افزودم: « در اینجاست در مرکز انقلاب با زندگی جوشان عساکر، با بسی قوی و سرمنش و نقشه‌ی یک عمل بزرگ و مشترک بین المللی در میان زنان کارگر در فکرم خطور کرده است. این نقشه در اصل از کنفرانسها و کنگره‌های بزرگ زنان عبر حزبی شما منبث شده است. ما باید آنها را از صورت ملی به بین المللی تبدیل نمائیم. این حقیقتی است که جنگ جهانی و نتیجه آن توده زنان و طبقات و بخشهای مختلف جامعه را شگفتانگان داده است. آنها بر هیجان هستند. آنها به جنب و جوش آمده‌اند. اگر آنها ی پریشان کننده آنان راجع به تامین زندگی و شلای

امرار معاشر آسهارا با مسابلی مواجه نموده که در گذشته اکثراً بندرت مورد
 توجه آنها قرار نرفته و تنها تعداد کمی از آنها را درک کرده اند. جامعه بسوز و باسی
 قدر به دلس یا حی فایع کننده به مایلشان نیست. تنها کمیونیم این
 ریاسح را مینماید بدهد. ما با بدبه توده های وسیع زنان ترکشورهای سرما به دار
 آگاهی مهم و باید برای این منظور یک کنگره بین المللی زنان غیر حزسی
 را فراخوانیم.

لمیں بفاصله باسح نداده او غرق در اندیشه نشست. منله را بنظر
 آورده لبها پتر جمع خدنده لب پاشین کمی جلو آمد.

سراجام گفت: «بله ما باید اینرا انجام دهیم. این نقشه خوبی
 است ولی یک نقشه خوب و حتی عالی و بی ارزش است مگر آنکه به خوبی اجرا شود. آیا
 فکرا همرا که چطور آن اجرا شود کرده اید؟ ایده ها بیان در این باره چیست؟»
 ایده هایم را مفصل برای لنین باز کردم؛ ما باید در ابتدا کمیته ای از
 زنان کمونیست کشورهای مختلف در رابطه نزدیک و دایم با بخشهای ملی مسان
 تشکیل دهیم. این کمیته تدارک و برگزاری و استفاده از کنگره را به پیوسته
 خواهد گرفت. باید تعیین شود که آیا برای این کمیته از همان ابتدا کار علنی
 و رسمی پذیرفتنی است. بهر تقدیر این نخستین و بیفیه اعضای کمیته است که
 با همرا کارگران زن مشکل در هر کشوره جنبه سیاسی پرولتری زنان و ساز-
 ماسهای بسوز و باسی زنان با هر کرایس و منحصاتی و بالافره زنان برجسته
 پریک و معلم و نویسنده و غیره و رابطه برقرار کنند و کمیته های تدارکی
 غیر حزسی ملی تشکیل دهند. یک کمیته بین المللی از میان اعضای این کمیته ها
 ملی تشکیل خواهد شد تا کنگره بین المللی را تدارک و برگزار کننده و برنا-
 معاشر را تهیه و محل و زمان کنگره را انتخاب کند.

بمفیده من کنگره باید نخست در موردی زنان در اصناف و حرف بحث کند.
 در اصنام این امر باید مساهل بهکاری همزد مساوی برای کار مساوی و قانون گذاری
 در مورد ساعت کار در روز و حفظ کار برای زنان و تکمیلات تر به دیونیهونها
 مراقبت اجتماعی از مادر و فرزندها فدا مات اجتماعی برای راحتی مساندان و
 همسران و غیره شکافته شوند. بملوه در کشور کار باید مفاد مقام زنان در
 ازدواج و قوانین مربوط به خانواده و قانون اجتماعی و سیاسی بکنجد. من هم از

تشریح این پیشنهادات و توضیح دادیم که چگونه کمیته‌های ملی در کشورهای مختلف باید کاملاً زمینه را برای این گذرگه بوسیله يك برنامه کارزار با نقش در جلسات و مطبوعات آماده کنند. این برنامه [کارزار] بویژه در بیداری بیشترین تعداد ممکن از زنان و انگیزش بمطالعه جدی مسائل برای بحث پیشنهادی و جلب توجهشان به گذرگه و ترغیب به کمونیسم و احزاب کمونیستی انترناسیونال مهم میباشد. این برنامه می‌بایست زنان کارگر تمام اقشار اجتماع را دربرگیرد و میباشد حضور و شرکت منتدیان از همه سازمانهای مربوطه و نیز نمایندگان جلسات علنی زنان را در گذرگه بدست آورد. گذرگه باید يك «رکن انتخاب شده خلقی» کاملاً متفاوت از مجلس بورژوازی باشد.

بدیهیست که کمونیستها و زن نباید صرفاً محرك بوده بلکه باید نیروی پیشرو در کار تدارکی هم باشند و باید از حمایت پرتوان نیروهای ما برخوردار باشند. طبیعتاً ما آنها در مورد کار کمیته بین‌المللی و کار خودگذرگه را استفاده وسیع آن و نیز صدق میکنند. ترزا و قضایای کمونیستی درباره سند بنسبت دستور کار باید به گذرگه ارائه گردد. آنها باید بدقت کلمه سندی و با اسنادی محققانه‌ی فاکت‌های اجتماعی مربوطه را بخوبی اثبات کنند. این ترزا باید قبلاً بوسیله کمیته اجرایی کمیته بحث و تصویب گردند. راه‌ها و عمارهای کمونیستی باید نقطه کانونی باشد که بر آن کار گذرگه و توجه عامه متمرکز بشود. آنها را باید پس از گذرگه در میان توده‌های وسیع زنان بوسیله تبلیغ و تبلیغ بعد کرده‌ها اینک آنها [عناصر] تعیین کننده برای عملیات توده زنان بین‌المللی گردند. لازم بگفتن نیست شرط ضروری تمام این امور اینست که زنان کمونیست در تمام کمیته‌ها و در خورد گذرگه بمثابه يك رکن محکم و يك-پارچه کار کنند و آنها با هم يك برنامه صریح و تزلزل ناپذیر را با انجام برسانند. نباید اعمال خارج از نوبت انجام شود.

در طول توضیحات من و لندن چندین بار سر را بعنوان تائید تکان داده و با چند اظهار نظر بصیرت‌آمیز حرف من دوباره او گفت: «رفیق عزیز، بنظر من میرسد که شما موضوع را از نظر سیاسی خیلی بدقت و از زاویه تحلیلی هم نکات اصلی را در نظر گرفته‌اید. من کاملاً با شما موافقم که چنین گذرگه‌ای میتوانست

موفقیت بسیاری در وضع فعلی بدست آورده. این گذرگه به ما فرصتی میدهد تا
 نوده‌های وسیع زنان، به‌ویژه زنان حرفه و صنایع مختلف و کارگران زن صنعتی،
 و کارگران خانگی و آموزگاران و سایر زنان حرفه‌ای را جذب کنیم. این عالی
 خواهد بود. فکر وضع مبارزات بزرگ اقتصادی یا اعتصابات سیاسی را نکنید.
 چه قوای کمکی‌ای پرولتاریا و انقلابی در میان نوده‌های زنی که آگاهی طبقاتی
 دارند خواهد یافت؟ البته اگر ما بتوانیم آنها را بسوی خود جذب کرده و در
 صفوف نگه‌داریم، موفقیت ما بزرگ خواهد بود. چیزی کمتر از عظم نخواهد
 بود. ولی چند سؤال زیر را عما چگونه پاسخ میدهید؟ زما [انور به‌داران]
 اعتنا! از فکر این گذرگه بدست‌آخم میکنند و خواهند کوشید از [تدکیل] آن
 جلوگیری کنند. مهمنا آنها جرات نمیکنند که آنها وجدیانه به زور سرکوب
 کنند. هر چه آنها بکنند شما را نخواهد نرسانده. اما آنها شما از این
 سمپراهد که زنان کمونیست در کمیته و خود گذرگه در مقابل نمایندگان
 بورژوا و فرمیست. که از نظر تعداد کمتر و از نظر تجربه بی‌بروبرگرد
 مدون‌ترند. مرعوب شوند؟ بعلاوه، او مهمتر از همه ما با واقعا به تربیت
 در کمیته رفقای کمونیستان اعتماد ناریده و آنها مطمئن هستید که میتوان
 بت گروه تحریمی از میان آنها گزید که با افتخار از نبرد بیرون آید؟
 در پاسخ به همین گفتم که امکان این که زما مفت آهنین بخدگذرگه
 سگار برند زیاد نیست. آن‌تربیکا و حمله‌های مزبوحانه بخد آن فقط میتوان
 دفع گذرگه و ما باشد. ما کمونیستها خیلی بهتر میتوانیم از نظر تعداد و
 تجربه از پس عناصر غیر کمونیستی برآئیم. این کار بوسیله رجحان علمی
 ما تربیالیرم تاریخی با مطالعه و تریح ما بل اجتماعی به‌گیری در خواست
 ما به حل این ^{سائل} و بالخره. و این کم اهمیت‌تر از بقیه نیست. با اشاره به
 بیروری انقلاب پرولتری در روسیه و دستاوردهای بنیانی او در کار رها پس
 زبان اسام میشود. ضعف عدم تربیت و بیخبرگی برخی از رفقای ما را میشود
 ما تدارک با برنامه و کار بسته‌جمعی جبران کرده. در این مورد همین از رفقای
 زن روس انتقاری خیلی زیاد دارم. آنها هسته آهنین تدکل ما را تدکیل میکنند.
 من دوش دو در رفقای روسی با آراسی جرات درگیرهای مناظره آمز خیلی بیشتری

را دارم تا [سر] منازعات این کذگره، بعلاوه همتی اگر ما رای کثتری بیاوریم همین حقیقت که مبارزه کرده‌ایم کمونیرم را بجلوی صحنه مآورد و اثر تبلیغی بررگی خواهد گذاشت. در تانی هراهنمایی برای کارهای بعدی ما خواهد بود.
 لنین از ته دل خندید.

« شما مانند همیشه درباره زنان انقلابی روسیه برشور هستید. بله در واقع، عشق قدیمی فراموش نشده است. فکر میکنم حق با شما باشد. حتی شکست پس از يك مبارزه سرخپانان دستاورد است، که زمینه را برای دست آوردنهای آتی در میان زنان کارگر مهیا میکند. با در نظر گرفتن همه جوانب، این ارزش ریسک کردن را دارد و ضرورتاً نمیتواند يك شکست نام باشد. طبیعتاً من خواستار پیروزی و از صمیم قلب آرزوی پیروزی برای شما دارم. این [کذگره] بطور متناهی قدرت ما را بیشتر میکند، مرز بیگانه‌ها را وسعت داده و استحکام میدهد. حیات بصفوف ما مآورد و آنها را بحرکت مآورد. این همیشه سودمند است. بعلاوه ما این کذگره بیقراری و نامطمئنی و تضادهای و تضادات اردوی بورژوازی و دوستان رفتمیست و برادران را بیشتر میکند. میتوان تصور کرد چه کسی با اینستاداران [گوشته‌خوار شدگردد] انقلاب، و میبندند و اگر اوضاع جور باشد تحت رهبری آنها قرار میگیرند. [جز] سوسیال دموکراتها و زن با دیپلیم و پردل تحت راهنمایی مطلق شدمان و دینمان، ولگین و زنان عیسوی پاراسی که با آنها را نقدی کرده با مرید لوتر هستند. تحت سران مشاوران محفی و عمران و کلای انضامی جدید دولتی و صلح - اللبان خانم - ما با انگلیسی و زنان عدیدا طرفدار آرا دی رای فراسوی چه تصویر درستی از پیوستگی جهان بورژوازی که این کذگره عرضه میکند! وجه تصویر از اوضاع ما است.
 «نندها! این کذگره به تجزیه و لذا به تضعیف نیروهای خدا انقلاب کمک خواهد کرد. هر تضعیف دشمن معادل با قویتر شدن نیروهای ما میباشد. من موافقی این کذگره‌ام. ما شمارا عدیدا حمایت خواهیم کرد. پس راه بیافتید و من موفقیت شمارا در این مبارزه دارم.»

جیس و مادرباره وضع آلمان و بویزه « کذگره وحدت » جاری است. اینها ^۱ و جناح چپ متفلسف ^۲ صحبت کردیم. پس از آن لنین با عجله و با مبادله

سلامهای دوستانه با چندین رفیق حاضر در اطاق که سرراهن بودند [مرا] ترك گفت.

من با امیهای بزرگی به کارندارکی پرداختم. معینا، این کنگره راه نیافتاده زیرا از طرف رفقای زن آلمانی و بلغاری که در آن زمان رهبران بزرگترین جنبشهای زنان کمونیست خارج [بغیر] از روسیه شوروی بودند با آنها گفت‌وگو آنها بی پروا گرد علیه راه انداختن این کنگره بودند.

زمانیکه لندن را از این موضوع مطلع کردم، گفت:

«بد شده خیلی هم بد شده! این رفقا فرصت‌عالی‌ای را از دست دادند که

میتوانست بیفتن پراامید نوین و بهتری به توده‌های زن بدهد و لذا آنها

را به مبارزات انقلابی پرولتاریا بکشاند. چه کسی میتواند بگوید که چنین

فرصت مناسبی دیگر در آینده نزدیک دست‌خواهد آمد؟ باید تا آن‌ها داغ است

سرمه را نواخت. ولی این وظیفه باقی میماند. شما باید راهی را جستجو کنید

که ما آن بتوان بشودهای زنیکه سرما به ناری به روزها نشانده دست‌یافت. شما

باید هر قیمت این [راه] را جستجو کنید. بهیچوجه نباید از این وظیفه مبرم

خبره رفت. بدون عملیات منسکل توده‌ها تحت رهبری کمونیستی، پیروزی بر سرما به

ناری و ساختمان کمونیسم نمیتواند وجود داشته باشد. و لذا توده‌های زنیکه

تاکنون ساکت بوده‌اند باید سرانجام به حرکت درآیند.

توضیحات

۱ - دفاع ابوخوف - بیکار قهرمانانه کارگران کارخانه ابوخوف در سنت پترزبورگ بند پلیس و ارتش در ۷ مه ۱۹۰۱ - اعتراضات بحاضر اخراج ۲۶ کارگر برای شرکت در جلسه اول ماه مه صورت گرفته بود و در ۷ مه همی از امتناع مدیران از پذیرش دوباره کارگران اخراجی ۵۰۰۰۰ کارگر اعتصاب کردند. مطالبات آنها شامل هفت ساعت کار در روز و تعطیل روز اول مه و پذیرش دوباره کارگران اخراجی و افزایش دستمزدها بود. پلیس و ارتش که برای پراکندن اعتصاب کنندگان فرستاده شده بود با تگرگ-تگرگ روبرو شده تنها پس از آوردن نیروهای بیشتر نظامی و پلیس و ارتش قادر به شکستن تظاهرات شدند. کارگران تلفاتی دادنده ۸۰۰ کارگر دستگیر شد و ۲۹ تاهشان بسبب خدمت تنبیهی فرستاده شدند. تلافی وحشیانه پلیس باعث اعتصابات اعتراضی در تعدادی از کارخانه‌های سنت پترزبورگ شد.

دفاع ابوخوف اهمیت عظیمی در تاریخ جنبش طبقه کارگر در روسیه داشت. این آغاز مبارزه سیاسی علمی از طرف طبقه کارگر بود.

۲ - گروه رهایی کار - نخستین گروه مارکستی روسی و بنیادگ. و بلخانوف در ژنو در ۱۸۸۲ بنیان گذاشته شد. اعضای آن شامل پ. پ. اکلرود و و. ی. زاسولیک بود. این گروه در گفتمان مارکسیسم در روسیه عمیلی موثر بود. بک سری "کتابهای سوسیالیزم مدرن" منتشر کرده که شامل ترجمه‌های آثار مارکس و انگلس مانند "مانیفست کمونیست" و "کار دستمزدی و سرمایه" "سوسیالیزم تحلیلی و علمی" و همچنین آثار آرنای از اعضای گروه ("سوسیالیزم و مبارزه سیاسی" "علاقات ماس" و غیره گ. و بلخانوف) بود. آثار اعضای گروه، بویژه بلخانوف، از نظرات نارودنیکی انتقاد کرده و مابیل اساسی سوسیالیزم علمی را تشریح میکرد. مع هذا، گروه حلاله‌ای وعیمی کرد. آنها نقش بورژوازی لیبرال

در انقلاب را علی‌درک میکردند و به نفی انقلابی دشمنان و اهمیت اتحاد
 سوسیالیست‌ها و تشقانات برای پیروزی سرتزاریم کم بها میدانند.
 گروه‌های کار در کارش با جنبش‌نوده‌ای طبقه کارگر را بندهای بند
 است.

گروه «سرفا» بنیان‌شوریه‌ک برای جنبش سوسیال دمکراتیک گذاشته و
 نخستین گام را بسوی جنبش طبقه کارگر برداشت «(لنین)» ص ۱

۳ - گذرگه سوسیالیست‌انترناسیونال در اشتوتگارت (گذرگه هفتم انترناسیونال -
 ناز دوم) در ۲۶ - ۱۸ اوت ۱۹۰۷ برگزار شد. حزب کارگری سوسیال دمکرات
 روسیه - ۲۷ نماینده به گذرگه فرستاده. بلشویکها از طرف لنین
 لئوینف و لونا چارسکی و سایرین نمایندگی می‌شدند. گذرگه مسائل زیر را
 به بحث گذاشت: ۱) میلمتاریزم و تضادهای بین‌المللی؛ ۲) روابط
 بین احزاب سوسیالیستی و تریدیونیونها؛ ۳) مسئله استعماری؛ ۴) کوچ و
 مهاجرت کارگران و ۵) حق رای زنان. گذرگه سحنه تمام میان جناح انقلابی
 همسر سوسیالیست‌انترناسیونال، یعنی بلشویکها و روسیه و در راستای
 لنین و سوسیال دمکراتهای چپ آلمان روزا لوکزا مبورگ و دیگران و جناح
 اپورتونیست (رولماره برنشتاین و دیگران) عبده بوده. اپورتونیست
 سبب شکست خوردند و گذرگه قطعاً همه‌شانکه فرمولبندی مارکسیستی انقلابی
 را بعنوان وظایف عبده احزاب سوسیالیستی عرضه می‌کردند تصویب نمود. ص ۲

۴ - کادتها - اعضای حزب کانسیتوس سوسیونال [مشروطه] دمکراتیک - حزب رهبر
 بورژوازی مونا رکیمت [سلطنت خواه] لبرال در روسیه - در اکتبر ۱۹۰۵
 تشکیل شد و شامل نمایندگان بورژوازی و رهبران زستور از میان ملاکسان
 روشنفکران بورژوازی می‌شد و بعدها حزب بورژوازی امپریالیستی شد.
 بر ملی جنگ جهانی اول کادتها از حکومت تزاری از صمیم قلب حمایت
 میکردند تا بورژوازی امپریالیستی روس بتواند با اهداف حیوانی برسد و در
 ۱۹۱۲ زمانیکه حزب در حکومت موقت بورژوازی نماینده داشت و مبارزه
 مدافعان را نام زد.

پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر و کادتها دشمنان آشتی-
نا پذیر قدرت شوروری شده و بر تمام عملیات ضدانقلابی و جنکهای مداخله-
گران شرکت کردند. ص ۸

۵ - کنفرانسهای نمایندگان زنان در کارخانهها و در مراکز رانندگانهها و کار-
گران تاسیس شدند. بخشهای وسیعی از زنان کارگر کارخانه و محلات در این
ارکان نماینده انتخابی بودند. زنان نماینده به سازمانهای مختلف
شوروی و تعاونی و تربیدیونی (دیپارتمانهای شوراهای کمیسیونهای
کوناگون) بحاطر سازمان دادن و نظارت بر کار موسسات آموزشی و پزشکی و
شیرخوارگاهها زمینهای بازی کودکان و اماکن نهارخوری مدارسها و غیره
مرتبط بودند.

در مدتی که از استقرار قدرت شوروی تا ۱۹۳۳ میگفتند کنفرانسهای
نمایندگان شکل عمده کار حزب کمونیست در میان زنان بود. کنفرانسها
نقشی مهم در تکامل آگاهی سیاسی زنان و گشادن آنها به اداره دولت و
زندگی اجتماعی کشور داشتند.

کنفرانسهای نمایندگان تحت راهنمایی سازمانهای اصلی حزبی مناطقی
که سازماندهندگان زن را برای کار در میان زنان و برای راهبانی عملیات
کنفرانسهای نمایندگان انتخاب میکردند عمل میکردند.
تعداد زیادی از نمایندگان بعداً به مقامهای رهبری حزب شوروی و
مدیریت انتخاب شدند. کنفرانسهای نمایندگان ترا تمام کرده بودند. ص ۹

۶ - کولاک - «محققان شرومنندیکه کار مردم دیگر را با استخدام کارگران با
وام دادن پول ربایی استثمار میکردند» (لنین) ص ۱۰

۷ - دیپارتمانهای سیاسی بوسیله کمیته مرکزی حزب کمونیست بحاطر غنا و رهبری
و قویتر نمودن کار سیاسی در آن جنبهها و ساحتمان سوسیالیستی که اهمیت
ویژه ای برای اقتصاد ملی و کشور داشتند تاسیس شده بود.

دیپارتمانهای سیاسی در تمام [تعمیرگاههای ماشین و تراکتور] در
۱۹۳۳ تاسیس شد و تا ۱۹۳۷ موجود بود. ص ۱۱